

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
ۚ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٦٩

لِلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَعَلَّ اللَّهُ الطَّاهِرُونَ وَلَعَلَّ  
جَنَّيْهِ كَوْبِدًا فَلَخْلُوتُ اللَّهُ بَلَّابَ بَلَّاحَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا نَاطِبٌ ثَرَاهُ كَبُحْجِي  
أَدْعَاعُ مَعَانِمَ بَابِيَّتِ امَامِيَّةِ زَيَادَةِ السَّلَامِ لِسَبَّةِ بَابِنَ بَنْدَهِ ضَعِيفٌ طَاهِ  
أَنْدَوْحَالَ أَنْكَلَهُ مَلِئَ جَنَّيْهِ اُرْيَ بَنْوَهُ وَبَنْسَمَ وَحْتَمَ اَسْتَبْرَكِيْكَهُ  
أَدْعَاعُ جَنَّيْهِ اُرْعَظِمَ رَانِيَدِكَهُ مَنْصَفَ بَيْمَجِعَ صَفَاتَ كَايَلَاهُ عَلَمِيَّهُ  
وَعَلَمِيَّهُ بَرَدَهُ عَلَى اَرْعَلَمَ وَرَسِيَّهُ اَرْزَسُومَ رَافَقَدَ بَنَاسَدَ وَاطَّاهِ  
بَرَكَلَعَلَمَ ظَاهِرَةَ وَبَاطِنَةَ بَرَجَ شَيْقَيَ وَتَفَضِيلَ رَاشَتَهَ بَنَشَدَ وَبَنَاسَدَ  
اَرْعَازَ اَسْوَرَ كَراَمَهُ يَا خَارِقَ شَاهِيَ كَهْنَدَلَهُ لَلَّهُ تَحْمُودَ بَاشَدَهُ مَكَرَهُ بَرَخَوَ  
فَطَبِيلَتَهُ بَغْنَوَهُ اَمْكَانِهِ كَهْدَرَاهَهُ اَسْيَا وَخَلَادَهُ قَدَ بَلَاصَالَهُ  
بَايَالَعَرْضُ

یا بالعرض قدره مالک باشد فکه امری از امور ما حرفی طراز خلو  
 را فائد باشد سکی بینیت که حاصل این مقام خشم بینت و خداوند عالم  
 و اهل لذات او مشاهده بصیر ند که بحروف ار غلوم بعض اهل علم و بازی  
 انواری هادا تعالیم و نادر پنجم و کلامی آن جایگاه از علم شده بپند  
 بمحضی و نظرت بوده و کلیخالق فواعلقوم است و دلیل بیش از بینت  
 و هرگز در باره حیر اعنفاد بتبه با پیده امام علیهم را نماید خداوند  
 کواد است که در حملات است و در اخرت در فارس و در این ورقه  
 حیله و نسبت بینیست بلکه ظاهر و عاظم بر اینجا نوشته کراهند و کن  
 صفت مکنون بزر ائمه بنده علی ما فعل شهید میگشود از این در بند بپوشد  
 ای امیر  
 موالله الرحم الرحيم  
 قبله هستن دام عزیز که نلاوت ایات کسری را عزوده و لا جا بدیار عجیب است  
 که اهل بیهق تابع اقوال عرم و هوای نفس شوند لاجل اقامه حکم دین